

بررسی

ساختار صادراتی ایران

طی دو دهه گذشته

علی علوی‌راد*

اشاره

در رابطه با آسیب‌شناسی ساختار صادراتی در اقتصاد ایران سه دوره قابل بررسی است. این دوران شامل دو دهه اول پس از پیروزی انقلاب، سال‌های برنامه اول توسعه و در نهایت برنامه دوم توسعه می‌باشند. هدف مقاله حاضر بررسی ساختار صادراتی ایران در طی این سه دوره می‌باشد. این مقاله نشان می‌دهد، ناپایداری در روند صادرات، حجم پایین صادرات غیرنفتی از کل میزان صادرات و تنوع اندک محصولات صادراتی (به ویژه صادرات غیرنفتی) از مهمترین ویژگی‌های ساختار صادراتی ایران طی این سه دوره است. بنابراین به رغم اجرای دو برنامه توسعه پس از انقلاب، هنوز اقتصاد ایران از ناحیه بحران‌های ناشی از سقوط قیمت و صادرات این‌تک‌محصول به شدت آسیب‌پذیر است. این بدان علت است که بخش صنعت ایران نیز به دلیل وابستگی به فن‌آوری و مواد اولیه وارداتی و همچنین ارزبری بالا، تا اندازه زیادی تحت تأثیر نوسانات قیمت و صادرات نفت قرار خواهد گرفت.

مقدمه

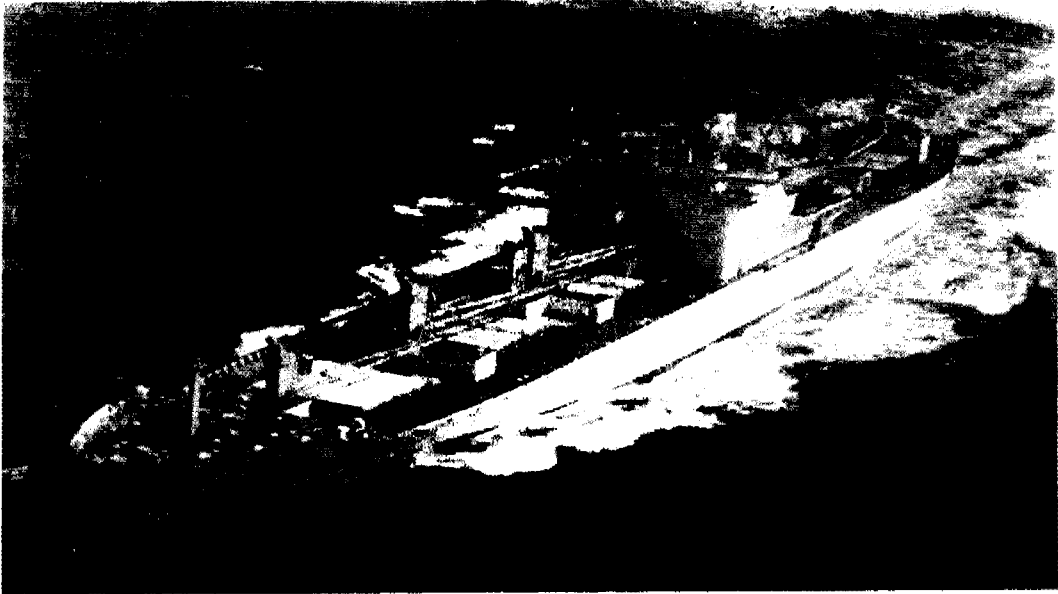
امروزه به دلیل تحولات ناشی از تغییر الگوی مصرف جهانی، فروپاشی مرزهای تجاری و اقتصادی و نیز جهانی‌شدن

اقتصاد و بیدایش واژه همبستگی اقتصادی به جای سلطه اقتصادی، در روابط تجاری بین‌المللی، موضوع و صادرات کالاها و خدمات، به ویژه کالاهای صنعتی از اهمیت بسزایی برخوردار شده است. بدین ترتیب لذا طبیعی خواهد بود که تمامی کشورها در جهت بدست آوردن سهم قابل توجهی از تجارت جهانی تلاش نمایند زیرا در این میان کشورهایی که سهم بیشتری از تجارت جهانی کسب نمایند می‌توانند خود را از نظر قدرت اقتصادی به سطح مطلوبی برسانند. این نوشتار سعی دارد ضمن شفاف‌سازی وضعیت نابسامان ساختار صادراتی ایران طی دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۱۳۵۷) به نقد برنامه‌های دولت برای بهبود ساختار صادراتی و توسعه صادرات غیرنفتی طی دو برنامه اول و دوم توسعه پرداخته و در نهایت پیشنهاداتی جهت اصلاح ساختار صادراتی کشور ارائه نماید.

نقش ساختار صادراتی در استقلال صادراتی

در بررسی نقش صادرات در اقتصاد هر کشور، آنچه که مهمتر از سهم صادرات در تولید ناخالص ملی جلوه می‌کند، ساختار صادراتی است. چرا که اساساً یکی از شاخص‌های عمده‌ای که برای شناخت میزان وابستگی یا استقلال اقتصادی یک

کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد وضعیت ساختار صادراتی می‌باشد. به طور کلی در بررسی ساختار صادراتی، دو عامل مورد توجه قرار می‌گیرد که یکی سهم صادرات صنعتی از کل صادرات و دیگری تنوع محصولات صادراتی است. بنابراین هرچه سهم صادرات محصولات صنعتی از کل صادرات کاهش یابد و یا تنوع محصولات صادراتی اندک باشد نشانه افزایش درجه وابستگی اقتصادی و برعکس آن باعث کاهش درجه وابستگی اقتصادی می‌شود. اصولاً صادرات ایران از نظر سهم آن در تولید ناخالص ملی بسیار پرنوسان است. این نوسانات که بعضاً شدید است، حاصل سهم بالای صادرات نفتی از کل صادرات کشور و افت و خیزهای قیمت نفت در بازارهای جهانی است. از سوی دیگر با بررسی سهم صادرات غیرنفتی، متوجه می‌شویم که صادرات صنعتی سهم اندکی در این میان دارد و سهم عمده این بخش از صادرات مربوط به کالاهای کشاورزی و سنتی (بسته و فرش) هستند. متأسفانه با توجه به ساختار بخش صنعت ایران و وابستگی به فن‌آوری وارداتی و ارزبری بالا، حتی این محصولات شدیداً تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت و درآمدهای حاصل از صادرات آن قرار می‌گیرد، این بدان معنی است که صنعتی شدن کشور ما و افزایش صادرات صنعتی همانند بسیاری دیگر از بخشهای اقتصادی وابسته به



عملکرد صادرات نفتی است.

ساختار صادراتی ایران طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۷

پس از وقوع انقلاب اسلامی شکوهمند ایران، به علت شرایط کاملاً اجتناب‌ناپذیر وقوع انقلاب، ساختار اقتصادی کشور متحول گردید به گونه‌ای که در بخش صنعت کشور رکود ایجاد شد. در بررسی دلایل این رکود، دو دسته عوامل مورد نظر هستند.

الف) عوامل درون‌زا ب) عوامل برون‌زا

الف) برخی از عوامل درون‌زا که بیشتر متأثر از اوضاع داخلی بود به شرح زیر هستند:

۱- شرایط اجتناب‌ناپذیر وقوع انقلاب.

۲- فرار سرمایه‌داران و انتقال بخش بزرگی از سرمایه آنها به خارج از کشور.

۳- بددهی‌های کلان شرکتها و کارخانجات به سیستم بانکی.

۴- خصوصیات نامطلوب به ارث رسیده بافت صنایع کشور از رژیم سابق.

ب) اما عمده‌ترین عوامل برون‌زا که از خارج به کشور تحمیل شدند، به شرح زیر هستند:

۱- وقوع جنگ تحمیلی.

۲- تحریم اقتصادی غرب علیه ایران.

۳- کاهش بهای نفت در سال ۱۳۶۳.

بدین ترتیب با توجه به عوامل فوق

معین و مطمئنی را در سطح جهان دارا بوده است. در عین حال، بررسی سهم صادرات صنعتی از کل صادرات کشور نشان می‌دهد که طی این سالها، دولت استراتژی مشخصی در زمینه توسعه صادرات صنعتی نداشته است. طی این سالها، سهم صادرات صنعتی از کل صادرات به طور متوسط ۰/۶۳ درصد بوده است. لذا سهم بسیار زیاد صادرات نفتی از کل میزان صادرات، سهم اندک صادرات غیرنفتی از کل صادرات، سهم ناچیز صادرات محصولات صنعتی از مجموع صادرات غیرنفتی و همچنین اندک ارقام صادرات غیرنفتی همگی نشان از ساختار نامناسب و مخرب صادرات کشور طی آن سالها دارد.

۴- ساختار صادراتی ایران طی سرنامه‌های توسعه‌ای پس از جنگ تحمیلی

سالهای متمادی است که اقتصاد ایران از نظر کسب درآمدهای ارزی، وابستگی زیادی به تولید و صادرات نفت خام دارد. این وابستگی در قبل از انقلاب اسلامی از شدت بیشتری برخوردار بوده است. در عین حال طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نوسانات شدید در درآمدهای ارزی کشور (تظیر سال ۱۳۶۵) باعث شد تا متولیان امور اقتصادی، نگاهی جدی به توسعه و

پس از انقلاب اسلامی گرایش دولت تنها متوجه تکمیل و ایجاد صنایع سنگین و اساسی گردید از سوی دیگر دولت تمام تلاش خود را معطوف به سرپا نگه داشتن صنایع و ممانعت از ورشکستگی آنها نمود و بدینگونه طبیعتاً فرصتی برای بهبود و توسعه صادرات صنعتی ایجاد نشد. ارقام جدول شماره (۱) ویژگیهای ساختار صادراتی ایران را طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۷ نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌گردد، سهم صادرات نفتی از کل صادرات، در اکثر سالها بالای ۹۵ درصد می‌باشد. همچنین متوسط سهم صادرات نفتی از کل صادرات طی این سالها ۹۵/۲۹ درصد بوده است. این در حالی است که سهم صادرات غیرنفتی از کل میزان صادرات طی این سالها، به طور متوسط رقم ۴/۷ درصد را نشان می‌دهد. از طرف دیگر با بررسی ترکیب ارقام صادرات غیرنفتی طی این سالها ملاحظه می‌گردد که سهم صادرات صنعتی از مجموع صادرات غیرنفتی رقم قابل ملاحظه‌ای نبوده است! افزون بر موارد مذکور، سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی طی این سالها به طور متوسط رقم ۱۱/۷ درصد را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ترکیب صادرات غیرنفتی طی این سالها متکی به محدودی از محصولات و کالاهایی است که به طور سنتی در طی سالهای متمادی بازارهای

جدول شماره (۱): ویژگی‌های ساختار صادراتی ایران طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۷ (میلیون دلار - درصد)

سال	ارزش کل صادرات	ارزش صادرات نفتی	سهم صادرات نفتی از کل صادرات	ارزش صادرات غیرنفتی	سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات	ارزش صادرات صنعتی	سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی	ارزش صادرات کشاورزی و سنتی	سهم صادرات کشاورزی و سنتی از کل صادرات غیرنفتی
۱۳۵۷	۱۶۲۰۰	۱۵۶۶۰	۹۶/۷	۵۴۰	۳/۳	۱۶۳	۳۰/۱	۳۶۸/۹	۶۸/۳۱
۱۳۵۸	۲۴۹۶۹/۸	۲۴۱۵۸/۷	۹۶/۸	۸۱۱/۱	۳/۲	۶۶/۴۰	۸/۱	۷۲۴/۸	۸۹/۳۶
۱۳۵۹	۱۲۲۹۳/۸	۱۱۶۴۸/۶	۹۶/۹	۶۴۵/۲	۳/۱	۲۴	۳/۷	۶۰۱/۷	۹۳/۲۵
۱۳۶۰	۱۰۹۵۸/۵	۱۰۶۱۹	۹۶/۹	۳۳۹/۵	۳/۱	۱۳/۲	۳/۸	۳۲۱/۳	۹۴/۶۴
۱۳۶۱	۲۲۰۸۱/۷	۲۱۷۹۸	۹۸/۷	۲۸۳/۷	۱/۳	۲۱/۳	۷/۵	۲۵۵/۳	۸۹/۹۹
۱۳۶۲	۲۱۵۰۶/۶	۲۱۱۵۰	۹۸/۴	۳۵۶/۶	۱/۶	۲۶	۷/۲	۳۱۸/۱	۸۹/۲۰
۱۳۶۳	۱۷۰۸۷/۶	۱۶۷۲۶	۹۷/۹	۳۶۱/۶	۲/۱	۲۷/۳	۷/۵	۲۹۵	۸۱/۶۹
۱۳۶۴	۱۴۱۷۵	۱۳۷۱۰	۹۶/۸	۴۶۵	۳/۲	۶۴	۱۳/۷	۳۷۱	۷۹/۷۸
۱۳۶۵	۷۱۷۰	۶۲۵۵	۸۷/۳	۹۱۵	۱۲/۷	۱۰۹/۹	۱۲	۷۸۰/۷	۸۵/۲۸
۱۳۶۶	۱۱۷۷۱/۸	۱۰۷۵۵	۹۱/۴	۱۰۱۶/۸	۸/۶	۱۳۱/۸	۱۲/۹	۹۹۰/۷	۸۵/۳۵
۱۳۶۷	۱۰۷۰۸/۸	۹۶۷۳	۹۰/۴	۱۰۳۵/۸	۹/۶	۲۳۲/۷	۲۲/۴	۷۷۰/۳	۷۴/۳۷

مأخذ: ۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۲- آمار بازرگانی خارجی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۳- سهم‌ها محاسبه شده است.

جدول شماره (۲): ویژگی‌های ساختار صادراتی ایران طی سالهای برنامه اول توسعه ۱۳۷۲-۱۳۶۸ (میلیون دلار - درصد)

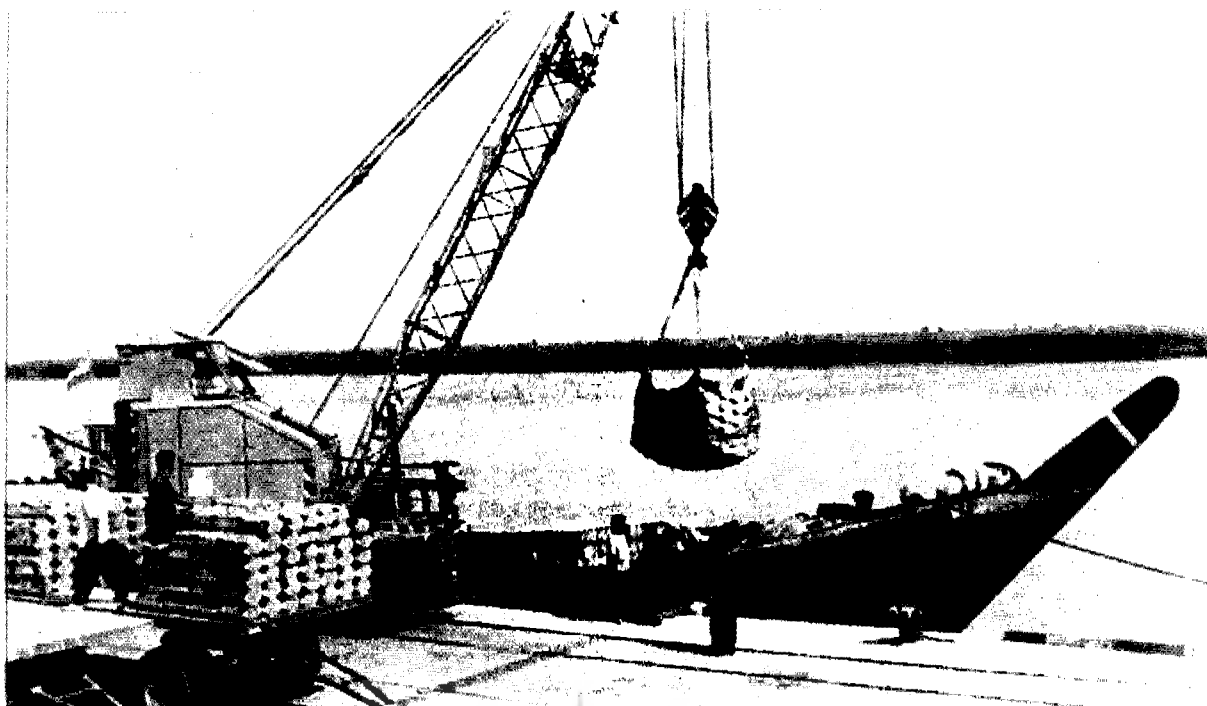
سال	ارزش کل صادرات	ارزش صادرات نفتی	سهم صادرات نفتی از کل صادرات	ارزش صادرات غیرنفتی	سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات	ارزش صادرات صنعتی	سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی	ارزش صادرات کشاورزی و سنتی	سهم صادرات کشاورزی و سنتی از کل صادرات غیرنفتی
۱۳۶۸	۱۳۰۸۰/۹	۱۲۰۳۷	۹۲/۰۱	۱۰۴۳/۹	۷/۹۹	۱۲۲/۶	۱۱/۷۴	۸۹۴/۴	۸۵/۶۸
۱۳۶۹	۱۹۳۰۵/۲	۱۷۹۹۳	۹۳/۲۰	۱۳۱۲/۲	۶/۸	۲۴۱/۵	۱۸/۴۰	۱۰۳۸/۴	۷۹/۰۶
۱۳۷۰	۱۸۶۶۰/۷	۱۶۰۱۲	۸۵/۸۰	۲۶۴۸/۷	۱۴/۲	۶۶	۲۴/۹۲	۱۹۳۷/۶	۷۳/۱۵
۱۳۷۱	۱۹۸۶۷/۷	۱۶۸۸۰	۸۴/۹۶	۲۹۸۷/۷	۱۵/۰۴	۹۷۰/۹	۳۲/۵۰	۱۹۹۵/۶	۶۶/۷۹
۱۳۷۲	۱۸۱۹۰/۸	۱۴۴۴۴	۷۹/۴۰	۳۷۴۶/۸	۲۰/۶	۱۱۹۱/۷	۳۱/۸۱	۲۵۱۶/۱	۶۷/۱۵

مأخذ: ۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۲- آمار بازرگانی خارجی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۳- سهم‌ها محاسبه شده است.

جدول شماره (۳): ویژگی‌های ساختار صادراتی ایران طی سالهای برنامه دوم توسعه ۱۳۷۸-۱۳۷۴ (میلیون دلار - درصد)

سال	ارزش کل صادرات	ارزش صادرات نفتی	سهم صادرات نفتی از کل صادرات	ارزش صادرات غیرنفتی	سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات	ارزش صادرات صنعتی	سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی	ارزش صادرات کشاورزی و سنتی	سهم صادرات کشاورزی و سنتی از کل صادرات غیرنفتی
۱۳۷۴	۱۸۳۵۳/۷	۱۵۱۰۳	۸۲/۲۹	۳۲۵۰/۷	۱۷/۷۱	۱۲۷۶/۳	۳۹/۲	۱۹۰۱	۵۸/۴
۱۳۷۵	۲۲۳۷۶/۷	۱۹۲۷۱	۸۶/۱۳	۳۱۰۵/۷	۱۳/۸۷	۱۴۱۳/۱	۴۵/۵	۱۶۴۵/۸	۵۳
۱۳۷۶	۱۸۳۴۶/۶	۱۵۴۷۱	۸۴/۳۳	۲۸۷۵/۶	۱۵/۶۷	۱۵۷۹/۸	۵۵	۱۲۵۰/۷	۴۳/۵
۱۳۷۷	۱۲۸۶۶/۷	۹۹۴۲	۷۷/۲۷	۲۹۲۴/۷	۲۲/۷۳	۱۵۰۵	۵۱/۴	۱۳۷۶/۲	۴۷/۲
۱۳۷۸	۱۹۴۲۴/۶	۱۶۳۲۱/۶	۸۴/۰۳	۳۱۰۳	۱۵/۹۷	۱۴۶۴/۸	۴۷/۲	۱۴۸۹/۷	۴۸

مأخذ: ۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۲- آمار بازرگانی خارجی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف. ۳- سهم‌ها محاسبه شده است.



گسترش صادرات غیرنفتی داشته باشند.

الف) برنامه پنج‌ساله اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در برنامه پنجمساله اول توسعه اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی، دولت با آگاهی از پرنوسان بودن بهای نفت در بازارهای جهانی و همچنین نوسانات درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، جهت ایجاد حاشیه امنیت برای بسیاری از بخشهای اقتصادی، مانند صنعت و اطمینان از حصول درآمدهای ارزی پیش‌بینی شده در طی این سالها به برنامه‌ریزی برای گسترش صادرات غیرنفتی پرداخت.

در زمینه صادرات نفتی و غیرنفتی، نتایج و عملکرد برنامه اول توسعه نشان می‌دهد، تحقق عملکرد نسبت به پیش‌بینی برنامه برای صادرات غیرنفتی سالانه به طور متوسط ۶۴/۸ درصد بوده، در حالی که این رقم برای صادرات نفتی به طور متوسط ۱۰۱/۲ درصد می‌باشد، به عبارت دیگر این ارقام گویای این مطلب است که طی سالهای برنامه اول، صادرات نفتی همگام با برنامه و حتی فراتر از آن

پیش رفته است. در حالی که پیش‌بینی صادرات غیرنفتی تحقق نیافته است. از طرف دیگر بررسی ترکیب صادرات غیرنفتی به تفکیک صنعتی و غیرصنعتی نشان می‌دهد که درصد تحقق هدف برنامه به طور متوسط سالانه برای صادرات صنعتی ۳۳/۰۲ و برای صادرات غیرصنعتی ۹۵/۷۶ درصد بوده است. به این ترتیب، ملاحظه می‌گردد که کالاهای غیرصنعتی (کشاورزی و سنتی) همگام با برنامه در جهت رسیدن به اهداف برنامه پیش رفته‌اند، اما عملکرد صادرات محصولات صنعتی نشان می‌دهد که حتی نیمی از اهداف برنامه هم تحقق نیافته است!

به هر صورت بررسی روند سهم نسبی صادرات غیرنفتی از کل میزان صادرات در جدول شماره (۲) بیانگر این واقعیت است که صادرات غیرنفتی از روند رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده است. علاوه بر این، در طی سالهای برنامه اول توسعه، متوسط سهم صادرات غیرنفتی از کل میزان صادرات ۱۲/۹۲ درصد بوده که نسبت به دهه اول پس از انقلاب (۶۷-۱۳۵۷) ۲/۷ برابر شده است. از

سوی دیگر، مطابق با جدول شماره (۲)، روند نزولی سهم نسبی صادرات کشاورزی و روند صعودی سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی نشان‌دهنده حرکت به سوی بهبود ساختار صادراتی است. به همین ترتیب، متوسط سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی از ۱۱/۷ درصد طی دهه اول پس از انقلاب (۶۷-۱۳۵۷) به ۲۴/۸ درصد طی سالهای برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) رسیده است (حدود دو برابر).

بطور کلی هرچند روند روبه رشد صادرات غیرنفتی و صادرات صنعتی در خلال برنامه اول توسعه وضعیت بهتری پیدا کرده، اما به هیچ عنوان مطلوب نبوده و با پیش‌بینی‌های برنامه نیز مطابقت نداشته است، که مهمترین دلایل آن نیز نبودن استراتژی مشخص برای صادرات، عدم ثبات سیاست بازرگانی کشور و بروز نوسانهای متعدد ارزی در کشور است.

ب) برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

در برنامه دوم توسعه اقتصادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گسترش

صادرات غیرنفتی، با تأکید بر صادرات صنعتی، جزء مهمترین برنامه‌های اجرایی کشور قرار گرفت. بدین ترتیب دولت و متولیان امور اقتصادی کشور، علاوه بر اثرات مثبت گسترش صادرات غیرنفتی در اقتصاد کشور، تأثیرات مثبت و بسیار مهم توسعه و گسترش صادرات صنعتی بر بهبود وضعیت اشتغال و رابطه مبادله بازرگانی کشور را نیز در ملاحظات خود منظور نمودند.

طبق پیش‌بینی برنامه دوم توسعه کشور می‌بایست در سالهای برنامه مجموعاً ۲۶۴۰۷ میلیون دلار صادرات غیرنفتی انجام پذیرد علاوه بر این از این میزان، طبق همین پیش‌بینی در طی برنامه دوم، کشور می‌بایست مجموعاً ۱۰۶۰۰ میلیون دلار صادرات صنعتی صورت گیرد. در حالی که متوسط درجه موفقیت تحقق صادرات غیرنفتی در طی برنامه دوم توسعه ۶۱/۴ درصد و مجموع صادرات صنعتی برابر با ۷۲۳۹ میلیون دلار بوده است. جدول شماره (۳) نشان‌دهنده ویژگی‌های ساختار صادراتی ایران طی سالهای برنامه دوم توسعه می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌گردد، در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ صادرات نفتی کشور و به دنبال آن کل صادرات به واسطه بحران نزول شدید قیمت نفت دچار نوسانات زیادی گردیده است. بدین جهت متوسط سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات در این دوره برابر با ۱۷/۲ درصد بوده که نسبت به سهم مذکور در برنامه اول توسعه (۱۲/۹۲ درصد) افزایش یافته است. از سوی دیگر سهم صادرات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی در طی سالهای برنامه دوم توسعه به طور متوسط برابر با ۳۶/۶۶ درصد بوده که نسبت به سهم مذکور در برنامه اول توسعه (۲۳/۸ درصد) از وضعیت بهتری برخوردار گردید.

در این میان با وجود آنکه طی سالهای برنامه دوم از جمله اهداف اصلی، گسترش صادرات غیرنفتی با تأکید بر رشد صادرات صنعتی بوده است، اما چنانچه جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، صادرات غیرنفتی در سالهای ۷۶-۱۳۷۴ دچار نوسان شده و افت می‌نماید. لذا

افزایش سهم صادرات صنعتی از کل میزان صادرات غیرنفتی طی این دوره تا حدود زیادی تحت تأثیر کاهش نسبی صادرات غیرنفتی قرار گرفت.

۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

اساساً پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، درخصوص بررسی ساختار صادراتی سه دوره مجزا در اقتصاد کشور قابل بررسی است. این دوره‌ها شامل دهه اول پس از پیروزی انقلاب (همزمان با جنگ تحمیلی)، برنامه اول توسعه و برنامه دوم توسعه می‌باشد. بطور کلی و با توجه به سه دوره مورد بحث، می‌توان گفت صادرات غیرنفتی همچنان متکی به محصولات و کالاهای کشاورزی و سنتی بوده و عملکرد صادراتی کشور به نحوی است که صادرات صنعتی متناسب با نیازهای اقتصادی کشور توسعه پیدا نکرده است. افزون بر این، سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات طی سالهای (۷۸-۱۳۵۷)، یعنی بیش از ۲ دهه بعد از پیروزی انقلاب از ۳/۳ درصد به ۵/۹۷ درصد افزایش یافته است. با نگاهی دقیق به کل میزان صادرات به این نتیجه می‌رسیم که رشد سهم مذکور به طور نسبی به علت کاهش ارزشی کل صادرات بوده است. با مراجعه به جداول شماره (۱ و ۳) ملاحظه می‌گردد که ارزش کل صادرات در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۶۲۰۰ میلیون دلار بوده که این رقم در سال ۱۳۷۷ یعنی ۲۱ سال بعد به ۱۲۸۶۶/۷ میلیون دلار تنزل یافته است. براساس جداول (۱ و ۲ و ۳) در برخی از سالها نظیر ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۵، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲، ۱۳۷۴، ۱۳۷۷ کل میزان صادرات کشور نسبت به سالهای ماقبل خود دچار کاهش شده است. بنابراین تزلزل و ناپایداری روند رشد صادرات کشور در هر سه دوره به خوبی مشخص است.

به طور کلی روند میزان صادرات ایران در دوره ۲۲ ساله (۷۸-۱۳۵۷)، نشان می‌دهد که از ۵ ساله اول (۶۱-۱۳۵۷) که کسب صادرات به طور متوسط ۱۷۳۰۰/۷ میلیون دلار بوده است تا ۵ ساله آخر (۷۸-۱۳۷۴)، کل صادرات

ایران ۱/۰۵ برابر شده و به رقم ۱۸۲۷۳/۶ میلیون دلار رسیده است. به عبارت دیگر چون در فاصله ۱۷ سال، کل صادرات ایران به طور متوسط ۱/۰۵ برابر شده، لذا نرخ رشد سالانه معادل ۰/۲۸ درصد (کمتر از درصد) شده است.^۲ البته این روند تا حدود زیادی به علت ساختار مخرب صادرات اقتصاد ایران و وابستگی به صادرات و درآمدهای نفتی می‌باشد. بنابراین در سالهایی که درآمدهای نفتی نیازهای ارزی را تأمین نموده است، کمتر به صادرات غیرنفتی بها داده شده است. از سوی دیگر دقیقاً در سالهایی که درآمدهای نفتی دچار بحران گردیده، متولیان امور اقتصادی به فکر توسعه صادرات غیرنفتی افتاده‌اند. در این میان رشد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ نسبت به سال ۱۳۶۴ (سالی که صادرات نفت دچار افت شدید گردید) گواهی بر این ادعا می‌باشد.

بررسی روند سهم نسبی گروه‌های عمده تشکیل‌دهنده صادرات غیرنفتی کشور، بیانگر این واقعیت است که صادرات گروه کالاهای کشاورزی و سنتی همواره سهم عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. به طوری که متوسط سهم کالاهای کشاورزی و سنتی از کل میزان صادرات غیرنفتی در سه دوره (۶۷-۱۳۵۷)، (۷۲-۱۳۶۸) و (۷۸-۱۳۷۴) به ترتیب برابر با ۸۴/۴۹، ۷۴/۳۷ و ۵۰/۰۲ درصد بوده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد، روند نزولی سهم نسبی صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی از کل میزان صادرات غیرنفتی و روند صعودی سهم صادرات صنعتی نشان‌دهنده حرکت به سوی مطلوب است. هرچند سهم کالاهای کشاورزی و سنتی از کل میزان صادرات غیرنفتی در طی سالهای برنامه دوم توسعه، باز هم به طور متوسط حدود ۵۰ درصد بوده است. از سوی دیگر، طی دوره (۷۸-۱۳۵۷)، به طور متوسط ۴۵/۴۳ درصد از کل میزان صادرات گروه کالاهای کشاورزی و سنتی متعلق به صادرات فرش دستباف است.^۳ که این نشان‌دهنده عدم تنوع لازم در بین محصولات صادراتی غیرنفتی می‌باشد.

به طور کلی ویژگیهای ساختار صادراتی

استفاده از مزیت‌های نسبی ذاتی کشور و همچنین به دست آوردن مزیت‌های اکتسابی جهت بالا بردن توان رقابتی و همین‌طور ایجاد تنوع لازم در محصولات صادراتی از جمله اقدامات دیگر است که می‌تواند سهم صادراتی کشور را در بازارهای جهانی بهبود بخشد.

د - حمایت غیرمستقیم دولت از صنایع دارای توان بالقوه صادراتی دولت باید با حمایت‌های غیرمستقیم خود در قالب برنامه‌های وزارت صنایع و معادن از صنایع برونگرا که به طور بالقوه توان رقابتی بالایی دارند، مقدمات حضور مؤثر این صنایع را در بازارهای جهانی فراهم نماید.

پی‌نوشت‌ها:

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بزد
E-mail: Alavi_rad@yahoo.com

۱- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۸۸، مقاله هدف‌گذاری اشتغال و صادرات صنعتی در ایران، فرزاد هاشمی.
۲- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: قانون و عملکرد برنامه اول توسعه کشور (۷۲-۱۳۶۸)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- نرخ رشد سالانه عبارت خواهد بود از:

$$18273.6 = 17300.7 (1+r)^{17}$$

$$1.05 = 1(1+r)^{17} \Rightarrow r = 0.0028$$

۴- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۹۳، مقاله بررسی وضعیت صنعت فرش در ایران، رضا اسناد حسین.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- اسامی خوبی، ارسطو (۱۳۷۶)، صادرات و بخش صنعت در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۰-۱۲۹.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، سالهای مختلف.
- ۳- سراداران شرکاء، حمیدرضا، صفوی، بیژن، (۱۳۷۴)، بررسی روند رشد صنعت در اقتصاد ایران با تأکید بر نقش تجارت خارجی، پژوهش‌نامه بازرگانی.
- ۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون و عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مستندات برنامه دوم توسعه.

۵- مهرآراد حسین، داوودپناه، رضا، (۱۳۷۷)، تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه (شماره ۳۰).

برخی از راهکارها به شرح زیر است:
الف - تدوین یک استراتژی مشخص برای صادرات

هرچند در سالهای اخیر به ویژه سالهای پس از جنگ تحمیلی، گسترش صادرات مورد توجه دولت بوده است، اما همچنان جای یک استراتژی شفاف و مشخص در زمینه توسعه صادرات، به ویژه صادرات صنعتی خالی است.

ب - استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بلندمدت، می‌تواند آهنگ رشد صنعتی شدن اقتصاد کشور را تسریع نماید، زیرا:

- دانش جدیدی که شدیداً موردنیاز است، همراه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور وارد می‌شود.

- افزایش تولید و صادرات را سبب می‌شود که خود به بهبود موازنه ارزی، کاهش بدهی‌های خارجی، کاهش تورم و افزایش اشتغال می‌انجامد.

ج - تکیه بر مزیت‌های نسبی ذاتی و اکتسابی

ایران طی ۲۲ ساله گذشته به شرح زیر است:

۱- وابستگی به صادرات و درآمدهای نفتی.

۲- نابابداری و تزلزل روند رشد کل صادرات، صادرات غیرنفتی و صادرات صنعتی.

۳- عدم تنوع لازم در صادرات محصولات غیرنفتی.

لذا براساس یافته‌های این بررسی می‌توان گفت که ساختار صادراتی ایران می‌بایست دگرگون شود و این دگرگونی باید در راستای کاهش وابستگی اقتصادی ایران قرار گیرد، به طوری که اولاً سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات افزایش یابد و ثانیاً سهم صادرات محصولات صنعتی از کل صادرات غیرنفتی نیز افزایش یابد و در نهایت یک تنوع مناسب در ترکیب صادرات غیرنفتی ایجاد شود.

حال برای افزایش سهم صادرات صنعتی به نظر می‌رسد باید آهنگ رشد صنعتی شدن اقتصاد کشور افزایش یابد و جهت‌گیری سیاست‌های کلان اقتصادی به سمت صنعتی شدن باشد، در این راستا

بررسی روند سهم نسبی گروه‌های عمده تشکیل‌دهنده صادرات غیرنفتی کشور، بیانگر این واقعیت است که صادرات گروه کالاهای کشاورزی و سنتی همواره سهم عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. به طوری که متوسط سهم کالاهای کشاورزی و سنتی از کل میزان صادرات غیرنفتی در سه دوره (۶۷-۱۳۵۷)، (۷۲-۱۳۶۸) و (۷۸-۱۳۷۴) به ترتیب برابر با ۷۴/۳۷ و ۵۰/۰۲ درصد بوده است.



بررسی روند سهم نسبی گروه‌های عمده تشکیل‌دهنده صادرات غیرنفتی کشور، بیانگر این واقعیت است که صادرات گروه کالاهای کشاورزی و سنتی همواره سهم عمده‌ای از صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است. به طوری که متوسط سهم کالاهای کشاورزی و سنتی از کل میزان صادرات غیرنفتی در سه دوره (۶۷-۱۳۵۷)، (۷۲-۱۳۶۸) و (۷۸-۱۳۷۴) به ترتیب برابر با ۷۴/۳۷ و ۵۰/۰۲ درصد بوده است.